

امام سجاد(ع) در ادامه بیان حقوق اعضاء انسان می فرماید «وَأَمَّا حَقُّ فَرْجِكَ فَحِفْظُهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَالِاسْتِعَانَةُ عَلَيْهِ بِغَضِّ الْبَصْرِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْوَانِ الْأَعْوَانِ وَضَبْطُهُ إِذَا هَمَّ بِالْجُوعِ وَالظَّمَا وَكَثْرَةَ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَالتَّهْدُدَ لِنَفْسِكَ بِاللَّهِ وَالتَّخْوِيفَ لَهَا بِهِ وَبِاللَّهِ الْعِصْمَةَ وَالتَّأْيِيدَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ.»

در من لا يحضر و خصال این عبارت آمده است «و حق فرجک ان تحصنه عن الزنا و تحفظه من ان ينظر اليه» تفاوت این دو معلوم است. طبق این نقل امام سجاد(ع) بعد از بیان حق بطن و پا و دست و چشم و زبان می فرماید: اما حق عورت تو (در فارسی شرمگاه) پس این است که آن را از هرچه حرام است باز داری، در نقل فقیه و خصال فرموده ان تحصنه عن الزنا، آن را از زنا حفظ کنی، بعد تحفظه من ان ينظر اليه، آن را از اینکه به آن نظر بشود حفظ کنی. یعنی هم حفظ از زنا و هم حفظ از نظر دیگران، هم ستر عورت کنی و هم خدای نکرده در زنا به کار نبری. اما اینجا فقط فرموده فحفظه مما لا يحل لك ، ما نظیر این را در مورد حق بطن هم داشتیم، هر چه که بر آن حرام است، در مورد قبلی ها هم داشتیم، اصلا یک قاعده است در مورد اعضاء، اعضاء یک حقى به گردن ما دارند که آنها را از حرام حفظ کنیم. بیان کلی این فقره را می گوئیم و بعد اینها را توضیح می دهیم.

بیان کلی

فَحِفْظُهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ» آن را از چیزهایی که برای تو حلال نیست، حفظ کنی. بعد در ادامه امام سجاد(ع) راه های کمک به حفظ فرج از حرام را بیان می کنند، یعنی کانه این کار آسانی نیست، حضرت به چهار طریق اشاره می کند که انسان به کمک این چهار راه می تواند فرج را از حرام حفظ کند. این حق است، «و اما حق فرجک فحفظه مما لا يحل لك».

۱. وَالِاسْتِعَانَةُ عَلَيْهِ بِغَضِّ الْبَصْرِ؛ یکی از راه های استعانه بر حفظ فرج بستن چشم است، غَضُّ الْبَصْرِ یعنی فروانداختن چشم، این معلوم است که یکی از راه های افتادن انسان به حرام است فَإِنَّهُ مِنْ أَعْوَانِ الْأَعْوَانِ؛ این کمک کننده ترین کمک کنندگان است، تا این اندازه مهم است، خیلی از مشکلات با این حرام آغاز می شود و به حرام های شدیدتر می افتد.

۲. وَكَثْرَةَ ذِكْرِ الْمَوْتِ؛ اینکه انسان زیاد یاد مرگ باشد.

۳. وَالتَّهْدُدَ لِنَفْسِكَ بِاللَّهِ؛ تهدید نفس، هشدار دادن به نفس، انسان مدام به خودش یادآوری کند، هشدار بدهد.

۴. وَالتَّخْوِيفَ لَهَا بِهِ، یعنی ترساندن نفس به آن.

۵. بعد می فرماید: «و بِاللَّهِ الْعِصْمَةَ وَالتَّأْيِيدَ» این لحن خیلی زیباست و اهمیت آن را می رساند، می گوید درست است شما از این راه ها از این چهار راه می توانید کنترل کنید فرج را از این گناهان، از حرام، اما در رأس همه الله تبارک و تعالی است «و بِاللَّهِ الْعِصْمَةَ وَالتَّأْيِيدَ» حمایت و نگه داری و حفظ و تأیید خدا اگر نباشد انسان هیچ کاری نمی تواند بکند، یعنی انسان باید از خدا توفیق بخواهد که در رأس همه است، این در واقع یک راه عمومی است، یک طریق عمومی برای حفظ انسان از حرام است. آن چهار راه به خصوص اینجا خیلی می تواند کمک کند، اما در رأس همه خداوند تبارک و تعالی باید به انسان مدد برساند، برای همین است که حضرت این را با تأکید اینجا فرمود که «و بِاللَّهِ الْعِصْمَةَ وَالتَّأْيِيدَ» زیرا امکان لغزش، ایستادگی در برابر این خواهش نفس کار خیلی مشکلی است، پس کانه خدا یک راه و اصلی را به انسان می آموزد، در خواست از خدا برای حفظ، اصل خداست ولی ابزارهایی

که می تواند به انسان کمک کند این چهار مورد است. سپس در آخر حضرت می فرماید: **وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ**. این یک بیان اجمالی از این فراز از سخن امام سجاد(ع) است.

به رسمیت شناخته شدن نیاز جنسی

ابتدا بیابیم سراغ خود این حق. تا بعد به راه های کمک به آن برسیم. اصل این مسئله توسط امام سجاد(ع) به رسمیت شناخته شده است. اصلاً خود این که برای عورت و فرج حقی قائل شده یعنی به رسمیت شناخته شدن و پذیرش نیاز جنسی انسان. و الا عورت که کارآیی های دیگری هم دارد مثل دفع فضولات بدن، این یک کاری است که عورت انجام می دهد، اینجا عمدتاً نظر به آن بخش از فعالیت عورت دارد که راهی برای تأمین نیاز جنسی است. اینجا حضرت دعوت به رهبانیت دعوت به سرکوب کردن این غریزه، دعوت به نادیده گرفتن آن نمی کند، می گوید حق عورت، حق فرج بر تو آن است که آن را از حرام باز داری؛ معنای این سخن این است که از حلال نباید باز داری، این یعنی یک راه میانه و اعتدال در قوه شهوت که تعبیر به عفت می کنند. عفت و پاکدامنی در واقع جنبه اعتدالی قوه شهوت است. انسان ممکن است در شهوت جانب افراط را بگیرد، ممکن است جانب تفریط را بگیرد. جانب افراط یعنی هیچ حد و مرزی برای آن قائل نباشی، هر وقت نیاز پیدا شد به هر طریقی این نیاز تأمین شود، این می شود شهوت، شهوتی که از حد اعتدال خارج شده است. یک راه این است که به کلی نادیده گرفته شود و این قوه و نیرو سرکوب شود، چنانچه در بین مسیحیان در قدیم رواج داشت؛ بعضی ترک ازدواج و نکاح داشتند، چه مردان و چه زنان مسیحی و در میان مسلمانان در اوائل اسلام بعضی از اصحاب پیامبر و برخی یاران ائمه به خطا در همین مسیر پا گذاشتند که از این امر کناره گیری کنند به عنوان زهد و ترک دنیا، که شدیداً از ناحیه پیامبر و ائمه(ع) با این نگاه و تفکر برخورد شد که الان فرصت نیست ولی بعداً خدمتتان عرض می کنم. من اجمالاً فقط می خواهم عرض کنم که همین که امام(ع) می فرماید «**فَحَفِظْهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ**» این یعنی پذیرش نیاز خاص انسان، به رسمیت شناخته شدن و البته تعیین یک چهار چوب برای این قوه. اینکه انسان باید مراقب باشد که پا را از جاده حلال بیرون نگذارد، این اعتدال در آیات و روایت نیز مورد تذکر قرار گرفته که بعداً عرض می شود.

والحمد لله رب العالمین»